

نقش مقاومت فرهنگی در مهندسی تمدن نوین اسلامی بر اساس

اندیشه امام خامنه‌ای مد ظله العالی

اسماعیل دانش^۱

چکیده

در سپهر اندیشه‌های راهبردی معاصر، مفهوم «مقاومت فرهنگی» غالباً در چارچوبی تدافعی و واکنشی محصور مانده است. این پژوهش، با اتخاذ رویکردی بنیادی و روش تحلیلی-توصیفی، درصدد بازتعریف هستی‌شناسانه این مفهوم در منظومه فکری امام خامنه‌ای است. تحقیق حاضر، مقاومت فرهنگی را نه راهبردی انفعالی، بلکه «پارادایم مهندسی مولّد» مفهوم‌پردازی می‌کند؛ الگویی که از طریق آن، توانمندی نهفته در مقاومت، به صورت نظام‌مند به نیروی پیشران برای «صناعت تمدن» تبدیل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که این پارادایم بر یک سامانه به‌هم‌پیوسته و پویا استوار است که در آن، ارکان چهارگانه «هویت مقاومتی»، «خودباوری فرهنگی»، «اجتهاد تمدنی» و «عقلانیت انتقادی» به عنوان پیشران‌های عملیاتی، درکنشی متقابل و هم‌افزا عمل می‌کنند. این سامانه، عمق راهبردی خود را از ابعاد پنج‌گانه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، روش‌شناختی و غایت‌شناختی اخذ کرده و دوگانه انگاری کاذب میان «مقاومت» و «ساخت» را برطرف می‌سازد. بدین ترتیب، الگویی منسجم ارائه می‌گردد که منطق درونی و فرآیند تبدیل «مقاومت برای بقا» به «مقاومت برای بنا» را تبیین کرده و نقشه راهی مفهومی برای مهندسی تمدن نوین اسلامی ارائه می‌دهد. این چارچوب، منطق تبدیل «مقاومت» به «صناعت» تمدنی را آشکار می‌سازد و افقی نوین در مطالعات راهبردی فرهنگ و تمدن‌سازی ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: مقاومت فرهنگی، تمدن نوین اسلامی، امام خامنه‌ای مد ظله العالی، هستی‌شناسی

مقاومت، اجتهاد تمدنی.

۱. دانش‌آموخته جامعه‌المصطفی علیه السلام، دکترای فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران و پژوهشگر جامعه‌المصطفی علیه السلام.

بیان مسئله

گفتمان «تمدن نوین اسلامی» به عنوان افق راهبردی در اندیشه امام خامنه‌ای، برای عبور از ساحت نظر و تحقق در عرصه عمل، نیازمند نقشه راهی است که منطق گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را تبیین نماید. در کانون این نقشه راه، مفهوم «مقاومت فرهنگی» به مثابه یک اصل بنیادین قرار دارد. با این حال، عمده پژوهش‌ها و تحلیل‌های موجود، این مفهوم را در چارچوب تدافعی و واکنشی محصور کرده‌اند؛ بدین معنا که مقاومت فرهنگی عمدتاً به مثابه سپری برای حفظ هویت در برابر تهاجم فرهنگی و راهبردی برای «بقا»، تفسیر شده است. این برداشت، هرچند بخش از حقیقت را در بردارد، اما ظرفیت عظیم و پویای این مفهوم را در مقام یک نیروی پیشران و خلاق برای «بنای» تمدن نادیده می‌گیرد و گسست مفهومی و حلقه مفقوده برای نقش مقاومت فرهنگی در مهندسی تمدن نوین اسلامی، پدید می‌آورد؛ سازوکار نظام‌مندی که نشان دهد این مقاومت چگونه می‌تواند به صورت ایجابی، شاخصه‌های بنیادین تمدن مانند عدالت، معنویت و عقلانیت را طراحی و پی‌ریزی کند، به دقت تبیین نشده است. از این رو، مسئله اصلی این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که: «مقاومت فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای، بر اساس کدام الگوی نظام‌مند و منطق مهندسی، از یک کنش تدافعی فراتر رفته و تمدن نوین اسلامی را مهندسی و معماری می‌کند؟».

اهمیت این مسئله در آن است که بدون ارائه یک چارچوب نظری منسجم که این فرآیند «تبدیل» را تبیین کند، تلاش‌های فرهنگی و تمدنی فاقد یک نقشه راه راهبردی و عمق نظری خواهد بود و در سطح اقدامات پراکنده و جزیره‌ای باقی خواهد ماند. این پژوهش درصدد است تا با عبور از تحلیل‌های توصیفی، «پارادایم مولد مقاومت فرهنگی» را به عنوان یک چارچوب نظری نوین ارائه دهد. این الگو واره نشان می‌دهد که ارکان چهارگانه مقاومت فرهنگی (هویت مقاومتی، خودباوری فرهنگی، اجتهاد تمدنی و عقلانیت انتقادی) صرفاً ابزارهای دفاعی نیستند، بلکه پیشران‌های پویایی هستند که انرژی حاصل از ایستادگی را به نیرویی خلاق برای «صناعت تمدن» تبدیل می‌کنند. این رویکرد، همسو با منطق قرآنی «تغییر» است که در آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند» (رعد/ ۱۱) بر کنشگری فعال و تحول درونی تأکید می‌ورزد و با فرمان ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾؛ «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان]، آماده‌سازید!» (انفال/ ۶۰) بر آماده‌سازی و ساختن قدرت پیش از وقوع تهاجم اصرار دارد؛ بنابراین، هدف نهایی این تحقیق، ارائه یک نقشه راه مفهومی برای فهم منطق این گذار تمدن ساز و تبیین نظامی است تا نشان دهد چگونه مقاومت، به صورت فعالانه، سنگ بنای معماری تمدن نوین را بنیان می‌نهد.

۱. مفهوم شناسی و چارچوب نظری

۱-۱. مقاومت

واژه «مقاومت» که از ریشه «ق و م» اخذ شده، در لغت به معنای مداومت (ابن اثر، ۱۴۱۸ ق، ج ۴: ۱۲۵)، استمرار (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۶۹۴) و پایداری (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶: ۲۱۸۱) است (نگهبان و ابوالحسینی، ۱۳۹۹: ۵۹-۹۰). این کلمه، مصدر باب مفاعله از فعل «قام» و به معنای برخاستن و استوار ماندن است. در صرف، این باب معمولاً بر مشارکت جمعی و تشکیل جبهه‌ای برای هدف معین و ایستادگی در برابر جریان دیگر دلالت دارد. در اصطلاح نیز مقاومت، مفهومی پویا و رهایی‌بخش در برابر هژمونی غرب است که مبانی آن از قرآن، سنت پیامبر ﷺ و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام استفاده می‌گردد. پس از انقلاب اسلامی، این الگو به راهبرد اساسی در عرصه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی تبدیل شد (خسروی و حسینی خواه ۱۴۰۱: ۹۷). ماهیت مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای، مفهومی برگرفته از آیات الهی است که امام خمینی رحمه‌الله به آن روح و معنا بخشیده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۳۸۴).

۱-۲. مقاومت فرهنگی

مقاومت فرهنگی، حرکتی آگاهانه و خردمندانه برای صیانت از فرهنگ خودی و رویارویی هوشمندانه با فرهنگ بیگانه است. موفقیت آن، منوط به شناخت اصول ثابت و بنیادین فرهنگ دینی و پاسداری بصیرت‌مندانه از آن‌هاست که باید با بیداری عمومی در تمامی سطوح فردی و اجتماعی تحقق یابد. مقاومت گرایی اسلامی نیز رویکردی است که جوامع مسلمان را از حاشیه به متن حیات اجتماعی سوق داده و آنان را به تغییر وضع موجود فرا می‌خواند؛ حرکتی است که بازسازی هویت فراموش شده فقط در پرتو مقاومت ممکن می‌شود (اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۹۲). به باور نگارنده، مقاومت فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای، راهبردی ایجابی و تمدن ساز است که با بازتولید هویت مقاومتی، خودباوری فرهنگی، اجتهاد تمدنی و خرد انتقادی، بنیان‌های تمدن نوین اسلامی را می‌آفریند. این دیدگاه، مقاومت را نه واکنش تدافعی، بلکه کنشی پویا و پیشرو می‌داند که الگویی جامع و چندبعدی ارائه می‌دهد و افزون بر حفظ ارزش‌های اسلامی، مسیر تعالی تمدنی را نیز هموار می‌سازد.

۱-۳. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی که تمامی ساحت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حیات فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳)، ماهیتی دینی دارد و مؤلفه‌هایی مثل دین، اخلاق، علم، عدالت و قوانین، بر محور اسلام و متکی بر آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی استوار شده‌اند (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲). برخی صاحب‌نظران نیز تحقق آن را منوط به فراهم آمدن مجموعه‌ای از الزامات اخلاقی و مادی می‌دانند (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۹). زرین‌کوب نیز جامعه اسلامی را متجانس و قرآن بنیاد توصیف می‌کند (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۲۹).

امام خامنه‌ای تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که بستر رشد هم‌زمان معنوی و مادی انسان را فراهم ساخته، او را به سوی غایات آفرینش الهی رهنمون می‌سازد. در چنین فضایی، انسان به حیات طیبه و عزتمندانه‌ای دست می‌یابد و به موجودی عزیز، مقتدر، با اراده، مبتکر و سازنده در عرصه طبیعت تبدیل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۸۴). این تعریف، تمامی ابعاد مادی و معنوی تمدن بشری را در مسیر تکامل و تقرب به خداوند ترسیم می‌کند.

۱- ۴. تمدن نوین اسلامی

با رحلت امام خمینی رحمته‌الله و آغاز دوره رهبری امام خامنه‌ای، گفتمان مقاومت به مرحله‌ای نوین و اثرگذار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی گام نهاد. این مفهوم در اندیشه ایشان از سال ۱۳۶۸ تاکنون جایگاهی ویژه پیدا کرده و چراغ راهی برای تحقق تمدن نوین اسلامی شده است. امام خامنه‌ای تمدن نوین اسلامی را جامعه‌ای آرمانی می‌داند که در آن علم، پیشرفت، عزت، ثروت، عدالت و توان مقابله با چالش‌های جهانی محقق می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۸/۲۰). ایشان این تمدن را پاسخگوی نیازها و ظرفیت‌های بشری امروز می‌شمارند که از زخم‌های قرون اخیر رنجور است و می‌تواند نسل جوان را به افق‌های نوین رهنمون شده و کرامت انسانی را احیا کند (۳۱/ ۲/ ۱۳۹۳). به باور ایشان، دنیای اسلام موظف است تا مانند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، روحی تازه در کالبد جهان بدمد و راهی نو بگشاید که همان «تمدن نوین اسلامی» است. این امر نه به معنای تصرف سرزمین‌ها یا تحمیل فرهنگ، بلکه اهدای هدیه‌ای الهی به ملت‌هاست تا با اختیار خویش، راه صحیح را برگزینند و از مسیر اجباری که قدرت‌های جهانی تحمیل کرده‌اند، روی‌گردان شوند (خامنه‌ای، ۸/ ۱۰/ ۱۳۹۴).

۲. ابعاد مقاومت فرهنگی

مقاومت فرهنگی در منظومه فکری امام خامنه‌ای رحمته‌الله دارای پنج بُعد اساسی ذیل است:

۲- ۱. هستی‌شناختی

در بُعد هستی‌شناختی، مقاومت فرهنگی بر اساس نگرش توحیدی به عالم استوار است؛ جهانی که تجلی اراده و حکمت الهی است و تاریخ بشری، تابع سنت‌های آسمانی. این نگاه، زیربنای فلسفی مقاومت فرهنگی را شکل داده و به آن معنا و جهت می‌بخشد. نگرش توحیدی با نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، بستر مقاومت فرهنگی را فراهم می‌سازد. در این دیدگاه، انسان تنها در برابر خداوند سر تسلیم فرود می‌آورد و در مقابل طاغوت و نظام سلطه، موضعی مقاوم می‌گیرد. چنانکه قرآن کریم فرموده: «کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند» (احقاف/ ۱۳).

به باور امام خامنه‌ای رحمته‌الله، توحید به معنای رهایی انسان از بندگی هر آنچه غیر خداست — خواه فرد مستبد، نظامی ستمگر یا حاکم باشد. توحید، ثنویت‌های ساختگی چون خدا و انسان، روح و جسم و فرد و جامعه را نفی کرده و نگاهی یکپارچه به هستی ارائه می‌دهد (خامنه‌ای، ۸۹/ ۱۰/ ۱۳۶۵). ایشان تأکید می‌کنند: توحید

یعنی رهایی از عبودیت غیر خدا؛ یعنی درهم شکستن طلسم ترس از قدرت‌های مادی و تکیه بر اقتدار بی‌کران الهی که در نهاد انسان به ودیعت نهاده شده است (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۸۰). توحید تنها باوری نظری نیست که سرچشمه کنش سیاسی و اجتماعی است و انسان را به مقاومت در برابر ستم فرامی‌خواند. این هستی‌شناسی توحیدی، با نفی سکولاریسم و جدای دین از سیاست و جامعه، بنیاد مقاومت فرهنگی را استوار می‌سازد.

۲-۲. روش‌شناختی

در بُعد روش‌شناختی، مقاومت فرهنگی به معنای اتخاذ راهکارهایی کارآمد برای تحقق اهداف تمدنی و فرهنگی است. این بُعد، مستلزم شناخت روش‌های مؤثر در مواجهه با چالش‌های فرهنگی معاصر و بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین در خدمت گسترش فرهنگ اسلامی است. امام خامنه‌ای با تأکید بر ضرورت کشت بذر فرهنگی خودی در زمین خویش، جوان ایرانی را به بهره‌گیری از ثروت فرهنگی بومی، تقویت اراده و پرهیز از تقلید الگوهای بیگانه فرا می‌خواند. ایشان تمدن واقعی را تمدنی می‌دانند که از استعداد‌های ملی جوشیده و با شرایط زیست مردم و ملت عجین شده باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۴/۸۲).

رهیافت غربی، مبتنی بر تقلید، وابستگی و مصرف‌گرایی است، درحالی‌که روش اسلامی بر اجتهاد، استقلال و تولید تکیه دارد. از منظر ایشان، مقاومت فرهنگی مستلزم خلق مخاطب و ذائقه‌ای همسو، با ایمان و عقیده مردم است، نه تقلید از شاخصه‌های فرهنگی دشمن (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۴/۲۲). غرب با ادعای آزادی، در عمل، فرهنگ خود را بر ملت‌ها تحمیل و میزان پذیرش آن را معیار روابط قرار می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۸۴).

رهنمودهای قرآنی نیز بر مجادله احسن و پرهیز از پیروی گام‌های شیطان تأکید دارند: ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛ «و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!» (نحل/۱۲۵) و ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾؛ «و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید!» (بقره/۱۶۸). اساس مقاومت فرهنگی در این بُعد، بر اجتهاد فرهنگی و درک اسلام از متون اصیل اسلامی استوار است، نه با معیارهای غربی. استقلال روش‌شناختی، به مثابه اصل حیاتی در ایجاد تمدن نوین اسلامی، تقلید کورکورانه را که نافی آزادی است، رد می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۳)؛ بنابراین، روش‌شناسی اسلامی با نفی روش‌های وابسته و مصرف‌گرایانه، بستر مقاومت فرهنگی را فراهم می‌سازد.

۳-۲. معرفت‌شناختی

در بُعد معرفت‌شناختی، مقاومت فرهنگی پاسدار منابع اصیل معرفت دینی و حافظ آن در برابر تحریف و انحراف است. این امر، بازشناسی روش‌های صحیح فهم دین و نقد رویکردهای التقاطی را می‌طلبد. مقاومت فرهنگی در این قلمرو، بر نقد معرفت‌شناسی غرب و احیای معرفت‌شناسی اسلامی استوار است. از دیدگاه امام خامنه‌ای، تمدن غرب صرفاً در قالب صنعت یا نظام سیاسی خلاصه نمی‌شود، بلکه

جهانبینی‌ای است که انسان را به جای خدا قرار داده و در خود بسندگی و مصرف محصور کرده است؛ جهانی که حقیقت را فدای لذت و قدرت ساخته است. ایشان با نقد فلسفی بر مبانی معرفتی و انسان‌شناختی تمدن غرب می‌فرمایند: تمدن کنونی غرب بر اساس اومانیسم و اصالت انسانیت بنا شده، درحالی‌که امروز در این نظام، انسانیت پایمال شده و دچار شکست است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۸۵).

در مقابل، ایشان بنیان‌گذار تمدنی متکی بر ایمان، علم، اخلاق و مجاهدت را ترسیم می‌کنند، تمدنی که انسانیت و عدالت را از بحران مادیت و ظلم‌رہایی می‌بخشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۴/۳۱). تقابل اصلی از دیدگاه ایشان، میان «انسان الهی» و «انسان خود بنیاد» است. تمدن غرب در پی تحقق خواسته‌های مادی و امنیت بدون معناست، حال آنکه تمدن اسلامی، معنا و عدالت را در دل دنیای مادی جستجو می‌کند. این نگاه مادی‌گرایانه، هر جنایتی را از جنگ‌های جهانی تا کشتارهای معاصر مجاز می‌شمارد و امروزه نیز همه جنایت‌های اخیر درغزه و ... محصول تمدن غربی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۸۹).

راهبرد امام خامنه‌ای صرفاً واکنشی نیست؛ بلکه معطوف به ساخت بدیل عقلانی است. تمدن نوین اسلامی طرح برای نجات بشر از بحران معناست: دنیای اسلام باید روح تازه در جهان بدمد و راهی نو بگشاید. این پدیده، تمدن نوین اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۸/۸).

ایشان معرفت‌شناسی غربی (اومانیسم، سکولاریسم و ماتریالیسم) را نقد و معرفت‌شناسی اسلامی (توحید، وحی و عقلانیت) را جایگزین می‌کنند: «غرب پس از اومانیسم زایش فکری نداشته، اما جمهوری اسلامی دارای ایده‌ای نو برای مسائل روحی، اجتماعی و حکومتی انسان است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۲۲). معرفت‌شناسی اسلامی بر جامعیت منابع شناخت - عقل، حس و وحی - استوار است که در هماهنگی کامل عمل می‌کنند: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّ الْحَقَّ﴾؛ «به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است» (فصلت/۵۳). با این حال، معرفت انسانی واقع بنیاد اما ناقص و خطاپذیر است و همواره در مسیر تکامل: ﴿وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ «و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!» (اسراء/ ۸۵) این محدودیت، انسان را به تواضع علمی و استمرار در جستجو فرامی‌خواند.

۲- ۴. ارزش‌شناختی

در بُعد ارزش‌شناختی، مقاومت فرهنگی به معنای پاسداری از نظام ارزشی اسلام و تبیین تمایزات آن با نظام‌های ارزشی رقیب است. این بُعد، شامل تلاش برای درونی سازی ارزش‌های اسلامی در جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی است که درصدد استحاله ارزش‌های دینی می‌باشد. در این بُعد، مقاومت فرهنگی بر نظام ارزشی اسلام استوار است. امام خامنه‌ای می‌فرماید: «مقاومت فرهنگی حصار حفاظت‌کننده جامعه است. اگر این حصار سست شود، همه چیز فرو می‌ریزد. هدف دشمنان نفوذ به این حصار است تا ایمان دینی و

هسته اصلی نظام اسلامی را، ازهم بی‌پاشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

از منظر ایشان نظام ارزشی اسلام بر عدالت، آزادی، کرامت انسانی، اخلاق و معنویت استوار است و در برابر نظام ارزشی غرب (مبتنی بر فردگرایی، لذت‌جویی و منفعت‌خواهی) قرار دارد. ایشان تأکید دارد که اسلام، مکتب حمایت از انسانیت و ارزش‌های انسانی، مکتب رحمت و مروت، مکتب برادری و اخوت است. براین اساس ملت در سعادت است ضعیف، بدون ستم، حق خود را می‌تواند از قوی دریافت کند. کدام نظام غربی چنین عدالتی را برقرار می‌کند؟ (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۱۳).

امام خامنه‌ای نقد اساسی بر فرهنگ غرب وارد می‌کند که فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‌ریزی شده برای فساد و ابزاری در دست قدرتمندان است. برهنگی و اختلاط بی‌قید زن و مرد، از پایه‌های این فرهنگ است که برای ویرانی ارزش‌های انسانی بنا شده است (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵). در مقابل، نظام ارزشی اسلامی همه عوامل لازم برای رشد فردی و اجتماعی انسان را در خود (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶).

در این بُعد، مقاومت فرهنگی به معنای پایبندی به ارزش‌های اصیل اسلامی و عدم تسلیم در برابر ارزش‌های تحمیلی است. توحید، محور همه ارزش‌های اسلامی و مبنای مقاومت فرهنگی است. عدالت نیز ارزشی اساسی و هدف غایی انبیاء الهی است: «انبیاء را با دلایل روشن فرستادیم و کتاب و میزان (عدالت) نازل کردیم تا مردم به عدل قیام کنند» (حدید: ۲۵). این ارزش‌های توحیدمحور و عدالت‌گرا، بنیاد مقاومت فرهنگی تمدن ساز است.

۲-۵. غایت شناختی

در بُعد غایت شناختی، مقاومت فرهنگی به معنای جهت‌دهی تمام مجاهدات‌های فرهنگی به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی است. این بُعد شامل ترسیم افق‌های آینده و تنظیم برنامه‌های کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای نیل به آرمان‌های تمدنی اسلام می‌شود. نظریه مقاومت فرهنگی تمدن ساز، باهدف متعالی تحقق تمدن نوین اسلامی شکل می‌گیرد. امام خامنه‌ای این تمدن را آرمان ملت و انقلاب اسلامی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) و تأکید می‌کند که نباید الگوهای لائیک، لیبرالیستی یا ناسیونالیستی افراطی بر جامعه تحمیل گردند. ایشان با اشاره به فروپاشی اردوگاه شرق و بقای شکننده غرب، آینده را به سود جریان اسلام ارزیابی می‌کنند. هدف نهایی، دستیابی به امت واحده اسلامی و بنای تمدنی نوین بر اساس دین، عقلانیت، علم و اخلاق است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶). این تمدن پاسخگوی نیازهای بشریت مجروح امروز بوده و می‌تواند نسل‌های جوان را به افق‌های نوین رهنمون سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۳۱).

ایشان با استناد به وعده الهی در آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ...﴾ (نور/۵۵)، تحقق تمدن نوین اسلامی را قریب‌الوقوع می‌دانند. ازاین‌رو، پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، نخستین تجلی واصلی‌ترین پایگاه برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۱۷). در مقایسه با غایت تمدن

غربی که بر رفاه مادی و سلطه تکنولوژیک متمرکز است، تمدن اسلامی تعالی انسان، عدالت اجتماعی و حیات طیبه را هدف می‌گیرد. امام خامنه‌ای علیه السلام، «پیشرفت» در منطق اسلامی را دارای ابعاد جامع از جمله علم، اخلاق، عدالت، استقلال سیاسی و تقرب به خدا می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۹/۷/۱۳۹۱). این نگاه، دنیا و آخرت را توأمان در برمی‌گیرد. غایت‌شناسی اسلامی با تأکید بر تعالی انسان و حیات شایسته، بنیاد مقاومت فرهنگی را استحکام می‌بخشد. در این منظره، هدف نهایی زندگی فردی و اجتماعی، تقرب به خداست که انسان را به سوی کمال معنوی رهنمون شده و تمدنی پایدار را بنیان می‌نهد.

۳. ارکان مقاومت فرهنگی در مهندسی تمدن نوین اسلامی

الف. هویت مقاومتی

«هویت مقاومتی»، نخستین رکن مقاومت فرهنگی در منظومه فکری امام خامنه‌ای علیه السلام، به معنای شکل‌گیری هویتی پویا و مستحکم در برابر سلطه فرهنگی است. امام خامنه‌ای توضیح می‌دهد که «هویت ایمانی، در تقابل با هویت کفر، نه به معنای ستیز دائم یا نفی ارتباط و تبادل معلومات، بلکه به مفهوم استقلال و مرزبندی هویت ایمانی است تا فرد بتواند در برابر هویت طاغوت و کفر، خویشتن را صیانت، تکمیل و به سوی پیشرفت حرکت کند (خامنه‌ای، ۷/۲/۱۳۹۶). این هویت، ضمن حفظ اصالت‌ها و ریشه‌های خود، قابلیت تعامل سازنده با دیگر فرهنگ‌ها را نیز داراست. حرکت نظام اسلامی و جمهوری اسلامی، معطوف به ساخت هویتی حقیقی، ماندگار، مستحکم و قابل دفاع در برابر هجوم‌هاست؛ هویتی اسلامی که بر اتکال به خداوند متعال، عزت حاصل از مسلمانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم الهی (فردی، ملی، انسانی و طبیعی) بنا شده است. امروزه جهان را به سوی ارزش‌های معنوی فرامی‌خواند (خامنه‌ای، ۱۹/۱۱/۱۳۹۰). هویت مقاومتی، بنیادی‌ترین رکن مقاومت فرهنگی است که خود از سه عنصر اصلی تشکیل شده است مانند:

۱. خودآگاهی تاریخی

خودآگاهی تاریخی، به معنای ادراک پیشینه تمدنی و مفاخر گذشته است. قرآن کریم با تأکید بر عبرت‌آموزی از تاریخ می‌فرماید: «پیش از شما سنت‌هایی سپری گشته؛ پس در زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بود» (آل عمران: ۱۳۷). امام خامنه‌ای نیز بر ضرورت آگاهی جوانان از گذشته تاریخی و تمدنی خود تأکید می‌ورزند (خامنه‌ای، ۸۱/۲/۱۳۸۷). ایشان فقدان هویت ملی و وابستگی فرهنگی را حتی با وجود سایر عوامل پیشرفت، مانعی اساسی می‌دانند، زیرا «هویت ملی، بنیان هر ترقی است» (خامنه‌ای، ۸۸/۸/۱۳۸۵). از دیدگاه ایشان، ملتی که تاریخ خود را نشناسد، هویت خویش را باخته و در برابر فرهنگ بیگانه تسلیم می‌شود (خامنه‌ای، ۸۱/۸۰/۱۳۷۰). بر این اساس، خودآگاهی تاریخی مستلزم شناختی ژرف و نقادانه از تاریخ و تمدن اسلامی - ایرانی است که موجب هویت مقاوم می‌شود.

۲. استقلال فکری

استقلال فکری، به معنای گسست از پیروی و تقلید غیر نقادانه از الگوهای بیگانه و تکیه بر مبانی اصیل اسلامی در اندیشه و عمل است. این اصل، بستر آفرین خلاقیت و نوآوری فرهنگی و نیز مصونیت در برابر استعمار فکری است. قرآن کریم هشدار می‌دهد: ﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾؛ «و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد» (هود/ ۱۱۳). به باور امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، از زمانی که ملت‌ها به ضعف‌های خود پی برده و خودباوری یافتند، راه پیشرفت و تعالی را پیمودند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۸۸). این خودباوری، پیش‌نیاز مقاومت فرهنگی است؛ زیرا ملتی که به داشته‌های فرهنگی خویش ایمان نداشته باشد، در برابر تهاجم فرهنگی تاب نمی‌آورد. خودباوری فرهنگی، مستلزم شناخت ژرف و باور صادقانه به ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی برای پاسخ به نیازهای انسان معاصر است. در منظومه فکری ایشان، استقلال فکری، بازتعریف هویت فردی و جمعی بر پایه مؤلفه‌های ناب اسلامی و ایرانی، همراه با هوشیاری نسبت به توطئه‌ها و استحاله‌های هویتی دشمن است.

ب. خودباوری فرهنگی

خودباوری فرهنگی، به عنوان رکن دوم مقاومت، جلوه‌ای از اعتماد به توانمندی‌های فرهنگ اسلامی در پاسخ به نیازهای کنونی و گشودن گره‌های چالش‌های جامعه است. این اصل، بسترساز پویایی فرهنگی و سپری در برابر خودباختگی و احساس حقارت شمرده می‌شود. خودباوری، در بطن خویش، ایمانی عمیق به ظرفیت‌های زاینده فرهنگ بومی است و کلید مقاومت فرهنگی را در خود نهفته دارد. این مفهوم سترگ بر سه پایه اساسی زیر استوار است:

۱. اعتماد به نفس فرهنگی

اعتماد به نفس فرهنگی، باوری ریشه‌دار به کارآمدی و اثربخشی فرهنگ اسلامی در مواجهه با مسائل و چالش‌های حال و آینده است. این مؤلفه‌ی حیاتی، محرک پویایی فرهنگی و مانعی در برابر احساس ناتوانی و واپس ماندگی فرهنگی به شمار می‌رود. به باور امام خامنه‌ای: «خودباوری و اعتماد به نفس ملی، یکی از ارکان اساسی پیشرفت هر کشور است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۳/۱۴).

ایشان، تزریق روح خودباوری و خوداتکایی به ملت را از تجلیات عقلانیت امام خمینی رحمته‌الله علیه دانستند که به ملت ایران آموخت «ما می‌توانیم». این روحیه، پس از دهه‌ها تحقیر و القای عجز در عرصه پیشرفت علمی و صنعتی از سوی بیگانگان، نقطه عطفی برای ملت ایران رقم زد و دستاوردهای کنونی ملت ایران در عرصه‌های گوناگون، مرهون همین اعتماد به نفس است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۱۴). قرآن در آیات مانند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ «همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آن‌ها خود حالشان را تغییر دهند» (رعد: ۱۱) بر این اصل تأکید دارد که تحول درونی و اراده جمعی، شرط اصلی تغییر

و پیشرفت است. روح خودباوری که توسط رهبری نظام ترویج شد، یک عامل روان‌شناختی قدرتمند در راستای تحقق اهداف ملی است. این امر با مفاهیم روانشناسی اجتماعی، مانند هویت جمعی و خودکارآمدی گروهی، همخوانی دارد و به بسیج منابع و تلاش‌های جمعی برای دستیابی به پیشرفت‌های چشمگیر یاری می‌کند.

۲. استقلال فرهنگی

استقلال فرهنگی، به معنای رهایی از سیطره فرهنگ بیگانه و اتکا به مبانی بومی و اسلامی است. امام خامنه‌ای، با در نظر گرفتن شرایط تاریخی، جغرافیایی، سرزمینی، مردمی، آداب، فرهنگ و میراث غنی ملت ایران، بر الگوی پیشرفت ویژه ایران تأکید می‌کند. ایشان معتقدند که این الگو، ما را به سرمزمل مقصود می‌رساند و نسخه‌های غربی، اعم از آمریکایی، اروپایی یا اسکاندیناویایی، برای ما کارآمد نخواهند بود. هنر ما در کشف و ارائه الگوی بومی پیشرفت، متناسب با شرایط منحصر به فرد مردم نهفته است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۲). این رهنمود، با بصیرتی ژرف، ضرورت دست‌یابی به خود پسندگی فرهنگی و اجتناب از تقلید کورکورانه را آشکار می‌سازد. این استقلال فرهنگی، نه تنها به معنای پرهیز از وام‌گیری صرف، بلکه به مثابه بستری برای شکوفایی خلاقیت‌های اصیل و بومی است که می‌تواند رویکردی نوآورانه در مواجهه با چالش‌های معاصر ارائه دهد. چنین رویکردی، تضمین‌کننده سلامت و پویایی هویت فرهنگی در جهان امروز است.

۳. خوداتکایی فرهنگی

خوداتکایی فرهنگی، نشانگر تکیه بر منابع و توانمندی‌های درونی فرهنگ ملی است. امام خامنه‌ای این امر را به عرصه اقتصاد تشبیه کرده و بیان می‌دارند که در فرهنگ نیز، همانند اقتصاد، عدم تولید داخلی به واردات و سپس تضعیف تولید داخلی منجر می‌شود. ایشان با اشاره به کثرت واردات فرهنگی رسمی و غیررسمی که جایگزین تولیدات داخلی شده و کمر فرهنگ بومی را خمیده، نسبت به این وضعیت هشدار می‌دهند و مسئولین را به توجه جدی به خود اتکایی فرهنگی فرا می‌خوانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۲/۱۶). خودباوری فرهنگی، پیش‌نیاز اساسی برای تولید و بازتولید فرهنگی است که امام خامنه‌ای علیه‌السلام آن را رکن اصلی مقاومت فرهنگی می‌دانند. این رکن، نقشی حیاتی در رویارویی با هجمه‌های فرهنگی و بازسازی هویت جامعه اسلامی دارد.

ج. اجتهاد تمدنی

اجتهاد تمدنی، سومین رکن مقاومت فرهنگی در منظومه فکری امام خامنه‌ای است. این مفهوم، متضمن بازخوانی و بازآفرینی میراث فکری و فرهنگی اسلام با نگاهی تمدنی است. ایشان تصریح می‌کنند: «اجتهاد، ویژگی‌ای است که به مسئول توانایی می‌بخشد تا بنا بر مقتضیات، روش‌ها و راهبردهای صحیح را برگزیند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۸۴). این نگاه تمدنی، در سه مؤلفه اصلی زیر تجلی می‌یابد.

۱. بازخوانی انتقادی میراث فکری

بازخوانی انتقادی میراث فکری، نگرشی نقادانه به گنجینه فکری و فرهنگی اسلام است. امام خامنه‌ای تأکید می‌کنند که پس از منسوخ شدن مفاهیم کهنه، باید مفاهیم نوینی جایگزین گردد تا نشاط و پویایی فکری محفوظ بماند. با گذر زمان و ورود دیدگاه‌های متنوع، برخی افکار از استحکام نخستین می‌افتند؛ از این رو، طرح مباحث جدید ضروری است تا خلأ ناشی از کهنگی مباحث پیشین جبران شود و فضای علمی به کمال رسد. این فرآیند ترمیم، مستلزم سعی و اهتمام فراوان است (خامنه‌ای، ۱۳/۹/۱۳۷۴). ایشان به تحول در رویکرد به فرهنگ عمومی نیز اشاره دارند. در گذشته، فرهنگ جامعه رها بود و تحت تأثیر قوی‌ترین صداها شکل می‌گرفت، اما امروز هدایت و پالایش فرهنگ عمومی موضوعی نوین است که نخست در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده است (خامنه‌ای، ۱۹/۴/۱۳۷۴). بر این اساس، بازخوانی میراث فکری و فرهنگی، باید با نگاهی نقادانه و روزآمد صورت گیرد. این رویکرد، نه به معنای نفی گذشته، بلکه به مفهوم پالایش و بهره‌گیری هوشمندانه از آن برای پاسخگویی به نیازهای امروز و فردای جامعه اسلامی است.

۲. نوآوری فکری

نوآوری فکری، آفرینش اندیشه‌ها و نظریات بدیع متناسب با نیازها و مقتضیات تمدن جامعه اسلامی است. این عنصر، محرک پویا و بالندگی فکری و راهگشای پاسخگویی به چالش‌های نوپدید است. امام خامنه‌ای تأکید می‌کنند که برای ایجاد تمدن اسلامی، دو عنصر اساسی تولید فکر و پرورش انسان ضروری است. ایشان فکر اسلامی را به اقیانوسی عمیق تشبیه می‌کنند که کشف اعماق آن نیازمند پژوهش مستمر است. تولید فکر در هر زمان، متناسب با نیازهای آن دوره، از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. ایشان با اشاره به نوآوری‌های شهید مطهری خاطرنشان می‌سازند که متفکران آگاه و قرآن‌شناسان، اگر به نیاز زمانه واقف باشند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی استخراج کنند؛ حرف نو همیشه وجود دارد و تولید اندیشه صحیح، برای بشریت لازم و ممکن است (خامنه‌ای، ۱۴/۷/۱۳۷۹).

ایشان بر پیشرفت دانش و فناوری تأکید ورزیده و جوانان را به شکستن خطوط مقدم علم، فرا می‌خوانند و آرزو می‌کنند که در آینده، جهان برای شنیدن سخن علمی نو، باید ناچار به یادگیری زبان فارسی شود. این مهم، نیازمند همت مستمر نهادهای علمی و پژوهشگاه‌ها است (خامنه‌ای، ۱۰/۱۱/۱۴۰۱). بر این اساس، نوآوری فکری نه صرفاً تجدید ظاهری مفاهیم، بلکه استخراج خلاقانه از معارف اصیل اسلامی برای پاسخگویی به پرسش‌های بشر امروزی است. این فرآیند، تمدن اسلامی را از رکود فکری رهانیده و آن را به کانون تولید اندیشه برای جهانیان تبدیل می‌کند.

۳. پاسخگویی به نیازهای معاصر

پاسخگویی به نیازهای معاصر، ارائه راهکارهای اسلامی برای مسائل و چالش‌های نوپدید جهان امروز

است. این عنصر، کارآمدی فرهنگ اسلامی در عصر حاضر را تضمین کرده و نسل جوان را به توانمندی‌های اسلام در پاسخگویی به نیازها، مطمئن و قانع می‌سازد. از منظر امام خامنه‌ای، در دنیای امروز افکار و فلسفه‌های متنوعی مطرح می‌شود و حوزه‌های علمیه نباید منفعل باشند. ایشان تأکید می‌کنند که حوزه‌ها باید در متن حوادث علمی جهان قرار گیرند، از نظرات نو در مقولاتی چون جامعه‌شناسی آگاه باشند، عناصر مطلوب را جذب کنند و برای عناصر نامطلوب، پیش از ورود به جامعه، دفاع مناسب آماده‌سازند. واکنش پس از رواج یک ایده، راه درستی نیست. تحقیق و پژوهش و آگاهی از حقایق و معارف عالم و وضع علمی دنیا، برای حوزه علمیه لازم است. حوزه نباید از جریانات علمی دنیا منزوی باشد، بلکه باید در متن آن‌ها حضور یابد (خامنه‌ای، ۱/۸/۱۳۷۰).

اجتهاد تمدنی در اندیشه امام خامنه‌ای، بازخوانی میراث فکری اسلام با رویکردی نوآورانه و متناسب با نیازهای معاصر است که پویایی تمدن نوین اسلامی و پاسخگویی به چالش‌های جدید را فراهم می‌آورد.

د. عقلانیت انتقادی

عقلانیت انتقادی به عنوان چهارمین رکن مقاومت فرهنگی، متشکل از عناصر زیر است:

۱. نقد علمی جریان‌های فکری معاصر

نقد علمی جریان‌های فکری معاصر، بررسی و ارزیابی نظام‌های فکری و مکاتب فلسفی و اجتماعی رایج در جهان با معیارهای اسلامی است. این فرآیند، شناخت دقیق نقاط قوت و ضعف این جریان‌ها را میسر ساخته و مصونیت در برابر تأثیرات منفی آن‌ها را فراهم می‌سازد. امام خامنه‌ای بر ضرورت طرح و نقد اندیشه‌ها و جریان‌های فکری در محیط‌های تخصصی تأکید می‌کند و معتقدند صاحبان فکر باید بتوانند آرای خود را بدون هیاهو و عوام‌فریبی عرضه کنند تا مورد نقادی قرار گیرد. این فرآیند ممکن است به رد کامل، پذیرش یا اصلاح اندیشه منجر شود؛ امری که تحقق آن ضروری است (خامنه‌ای، ۸/۸/۱۳۸۱).

ایشان به پویایی فضای نقد و آزادی اندیشه در حوزه‌های علمیه نیز اشاره می‌کنند. امروز بیش از پیش، آرای فقهی و اصولی حتی از برجسته‌ترین فقها مورد نقد قرار می‌گیرد. حتی نظریات بدیع امام خمینی، مانند مبنای خطابات قانونیه، در مقالات علمی به چالش کشیده می‌شود و این جای ایراد ندارد. اصل نقد وجود دارد و مانعی برای آن نیست (خامنه‌ای، ۲/۸/۱۳۸۹). این رویکرد نقادانه، نشان‌دهنده پویایی و حیات فکری جامعه اسلامی است که با حفظ اصالت و هویت خویش، از مواجهه علمی با اندیشه‌های رقیب هراسی ندارد و در پرتو نقد سازنده، به بالندگی و تعالی دست می‌یابد.

۲. بصیرت‌افزایی

بصیرت‌افزایی، ارتقای توان تحلیل و تشخیص حق از باطل در میان آحاد جامعه اسلامی است. این عنصر، ضامن مصونیت جامعه در برابر شبهات و انحرافات فکری و تقویت قدرت تصمیم‌گیری آگاهانه

است. امام خامنه‌ای بصیرت را تیزبینی و شناخت راه درست می‌داند. ایشان تأکید می‌کنند که انسان باید در غبار آلودگی فتنه‌ها، راه درست را بیابد و از اشتباه در تشخیص مسیر و تأثیرپذیری از وسوسه خناسان بر حذر باشد (خامنه‌ای، ۲۱/ ۱۲/ ۱۳۹۹؛ ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۹۰).

ایشان بصیرت را در دوران کنونی، تشخیص دقیق خط درگیری با دشمن معرفی می‌کنند. امام خامنه‌ای هشدار می‌دهند که برخی نقطه درگیری را اشتباه گرفته و توپخانه خود را به سمت دوست، نشانه می‌گیرند؛ رقیب انتخاباتی را شیطان اکبر می‌پندارند، حال آنکه شیطان اکبر آمریکا و صهیونیسم است. ایشان تأکید می‌کنند که باید خط دشمن را مشخص کرد و اگر فردی در لباس خودی سخن دشمن را تکرار کند، ابتدا نصیحت و در صورت عدم اصلاح، خط فاصل تعیین شود. ایشان اختلافات داخلی را از دشمنی متمایز دانسته و گوشزد می‌کنند که دشمن را با غیر دشمن نباید اشتباه گرفت. ترسیم دقیق خط درگیری، نیازمند بصیرت است و نداشتن آن مانند نداشتن چشم است که انسان با وجود عزم، راه را نمی‌بیند (خامنه‌ای، ۲۴/ ۷/ ۱۳۹۱؛ ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۹۲). بدین‌سان، بصیرت افزایشی نه صرفاً آگاهی‌بخشی، بلکه تربیت بینشی جامعه برای تمیز دوست از دشمن و حفظ وحدت در برابر تهدیدات است.

۳. گفتمان سازی

گفتمان‌سازی، تبدیل مفاهیم و اندیشه‌های اصیل اسلامی به جریان‌های فکری غالب در ابعاد ملی و بین‌المللی است. این عنصر، بستر نفوذ و گسترش اندیشه‌های اسلامی را در میان اقشار مختلف جامعه و در سطح جهانی فراهم می‌کند. امام خامنه‌ای گفتمان را باور عمومی و سخنی مقبول همگان می‌دانند که با تبیین منطقی، عالمانه و به‌دوراز افراط، با زبانی صحیح و علمی منتقل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۵/ ۱۲/ ۱۳۹۲). هدف از این گفتمان‌سازی، رشد اندیشه و معرفت دینی در مخاطبان است که با احساس مسئولیت به عمل منجر می‌شود و همان آرمان پیامبران است (خامنه‌ای، ۲۲/ ۹/ ۱۳۸۸).

ایشان تأثیر گفتمان‌سازی را فراتر از ترجمه عملیاتی فوری می‌دانند. مهم‌ترین ثمره اندیشیدن، فضا‌سازی و گفتمان‌سازی است که در نتیجه آن، همه سطوح مدیریتی همسو می‌اندیشند. ایشان بر لزوم تفکر، تبیین و انعکاس اندیشه‌ها در کرسی‌های آزاداندیشی تأکید می‌ورزند و خاطرنشان می‌سازند که حتی اگر فکری بلافاصله به قانون تبدیل نشود، نباید مأیوس شد. مسئله تولید علم که روزی با مناقشات لفظی مواجه بود، امروز به گفتمانی قطعی بدل شده است (خامنه‌ای، ۱۳/ ۷/ ۱۳۹۰). عقلانیت انتقادی در منظومه فکری امام خامنه‌ای، بهره‌گیری از خرد نقاد در مواجهه با جریان‌های فکری معاصر و تمیز سره از ناسره است. این رکن، گزینش آگاهانه از میان انبوه اندیشه‌ها را ممکن ساخته و از تقلید کورکورانه جلوگیری می‌کند.

۴. سازوکارهای تحقق مقاومت فرهنگی در مهندسی تمدن نوین اسلامی

الف) تولید علم بومی و اسلامی

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مقاومت فرهنگی، تولید علم متناسب با مبانی اسلامی و نیازهای بومی

است. امام خامنه‌ای تأکید می‌کند که احترام به علم در جامعه زمانی تحقق می‌یابد که استعدادهای درونی کشور به جوشش آید و علم به هویت بومی تبدیل شود؛ از این رو، سرمایه‌گذاری علمی باید معطوف به این هدف باشد؛ در غیر این صورت، صرف فراگیری فرآورده‌ها و فرمول‌های بیگانه بدون تعمق در مبانی آن، رهگشای پیشرفت هیچ ملتی نخواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۳ / ۸ / ۱۰). ایشان متذکر می‌شوند که علم را نباید با نسخه‌های وارداتی غالباً منسوخ معادل دانست. آنچه برخی در صدد ترویج مجدد آن هستند، ره به جایی نمی‌برد؛ بلکه روش‌های نوین با اتکا به فهم عمیق از نیازهای ملی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، مسیر پیشرفت را هموار می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۸۴ / ۵ / ۸۲). بر این اساس، تولید علم بومی رکن اساسی در استقلال فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی است. این فرآیند مستلزم امور ذیل است:

۱. بازتعریف مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی بر اساس آموزه‌های اسلامی

بازتعریف مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی بر پایه آموزه‌های اسلامی، مستلزم بازنگری عمیق در پیش‌فرض‌ها و مبانی فلسفی علوم متداول و بازسازی آن‌ها بر اساس الگو و اره معرفتی اسلام است. این تحول بنیادین، بنیان‌گذار تکوین علوم انسانی اسلامی و رهایی از سلطه معرفتی غرب در عرصه تولید علم خواهد بود. امام خامنه‌ای با نقد وضعیت علوم انسانی غرب تأکید می‌کنند که این حوزه همچون علوم پایه اداره می‌شود، درحالی‌که محتوای رشته‌هایی مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تاریخ همچنان از بیرون دیکته می‌شود. ایشان بر ضرورت تحولی بنیادین در این عرصه تأکید دارند؛ امری که سال‌هاست مطرح بوده و تحقق آن بر عهده مجامع علمی است. ایشان این مسئله را با موضوع ورودی و خروجی دانشگاه‌ها پیوند داده و آن را از وظایف سنگین وزارت علوم می‌دانند. باید با برنامه‌ریزی دقیق مشخص شود که دانشگاه‌ها در چه رشته‌هایی دانشجو بپذیرند و خروجی آن‌ها متناسب با نیازهای کشور تعریف گردد (خامنه‌ای، ۱۳۸۴ / ۱۰ / ۱۳). این رویکرد نشان‌دهنده ضرورت رهایی علوم انسانی از وابستگی به الگوهای وارداتی و بازتعریف آن بر مبنای مبانی بومی و اسلامی است. تحول در علوم انسانی، زیرساخت فکری تمدن و پیش‌نیاز استقلال فرهنگی جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

۲. استفاده از علوم انسانی غرب با فیلتر تفکر ایمانی و دقایق قرآنی

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، بهره‌گیری از دستاوردهای علوم انسانی غرب برای بنای تمدن نوین اسلامی، با شرط بازنگری انتقادی و پالایش با فیلتر تفکر ایمانی و دقایق قرآنی، جایز است. ایشان اذعان دارند که علوم مثل روان‌شناسی محصول تفکر غربی است و ما برای نظام‌مند کردن داشته‌های خود و ارزیابی علوم غربی، نیازمند بازنگری و دقت بیش‌تر علمی هستیم. پذیرش پایه‌های یک علم از فرهنگ دیگر، به معنای قبول نتایج آن نیست؛ بلکه می‌توان با پالایش آن، محصول درست تولید کرد. استفاده از علوم انسانی غربی، مشروط بر آن است که کسی دلباخته و مغلوب آن نشود (خامنه‌ای، ۱۳۸۴ / ۱۰ / ۲۹).

ایشان با نگاهی انتقادی، تصریح می‌کند که علوم انسانی رایج در دانشگاه‌ها، بر مبانی و مبادی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی و غالباً بر نگاهی مادی استوار است که این خود مبنایی ناصواب است. این علوم به صورت ترجمه‌ای و بدون آنکه فکر تحقیقی اسلامی در آن، انجام شده باشد، وارد شده و آموزش داده می‌شود. بهترین راهکار برای استفاده از علوم انسانی، جستجو و استخراج ریشه‌ها، پایه‌ها و دقایق علوم انسانی از بطن قرآن کریم است. پس از استقرار این بنیان رفیع معرفتی، متفکران می‌توانند بناهای عظیمی را بر آن استوار سازند و در آن هنگام از پیشرفت‌های دیگران نیز بهره ببرند، لکن مبنا باید قرآنی باشد (خامنه‌ای، ۲۸ / ۷ / ۱۳۸۸). این رویکرد، بر دو محور استوار است، نخست، نقد عالمانه و پالایش علوم انسانی غربی برای پرهیز از تبعات مادی‌گرایانه و تعارض با مبانی دینی. دوم، بازگشت به قرآن به عنوان سرچشمه اصیل و بنیادین علوم انسانی تا امت اسلامی بتواند بر پایه‌هایی مستحکم، تمدنی نوین را ایجاد کند.

۳. تولید علوم انسانی بومی

از دیدگاه امام خامنه‌ای، تولید علوم انسانی بومی نقش محوری در معماری تمدن نوین اسلامی دارد. ایشان بیان می‌دارند که غربی‌ها در حوزه علوم انسانی - از اقتصاد و سیاست تا تاریخ و فلسفه - قلمرویی ممنوعه ایجاد کرده‌اند. برخی عناصر ضعیف‌النفس، شیفته این نظریات شده و هر آنچه از غرب صادر می‌شود را به مثابه وحی مُنزَل قبول می‌کند که این خود نوعی گمراهی است. واقعیت این است که چند متفکر صاحب اقتدار علمی در نقطه‌ای از جهان به نتیجه‌ای رسیده‌اند نه اینکه آن نتایج مطلقاً درست باشند. ایشان بر لزوم رجوع به مبانی دینی تأکید می‌ورزند؛ زیرا مواد بنیادی بسیاری از علوم انسانی، حتی آن‌هایی که غربی‌ها ساختار علمی به آن‌ها بخشیده‌اند، در میراث علمی و اسلامی نهفته است؛ از این رو، لازم است مسلمانان فکر مستقل مهندسی کنند (خامنه‌ای، ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۸۴). علوم انسانی متداول در دانشگاه‌ها، عمدتاً براساس مبانی فلسفی غربی است که با اصول اسلامی سازگاری ندارد. لذا، بازتعریف مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی برپایه آموزه‌های اسلامی، شرط ضروری برای تولید علوم انسانی اسلامی می‌باشد.

۴. تربیت نیروی انسانی متخصص با رویکرد تمدنی

تربیت نیروی انسانی متخصص با رویکرد تمدنی، به معنای پرورش نسلی است که در کنار تسلط بر دانش تخصصی، از نگرش تمدنی و آگاهی نسبت به آرمان‌های تمدن نوین اسلامی برخوردار باشد. این امر، هم‌افزایی علمی و فرهنگی را در جهت تحقق اهداف تمدنی تسهیل می‌بخشد. امام خامنه‌ای بر لزوم تربیت متخصصان تأکید دارند که علم خود را در خدمت اهداف تمدنی به‌کارگیرند (خامنه‌ای، ۲۰ / ۸ / ۱۳۹۴). ایشان، راه پیشبرد تمدن نوین اسلامی را در پرورش نسل شجاع، باسواد، دین‌دار، مبتکر، خودباور و باغیرت می‌دانند؛ نسلی که در مسیر هدف، شجاعت، انگیزه و توان کافی برای حرکت داشته باشد. این مجموعه انقلابی، باسواد، منضبط، دین‌دار، پویا و عاقل، با هدایت نخبگان جوان، موتور حرکت تمدن نوین

اسلامی خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

به باور ایشان، تولید فکر و پرورش انسان، دو عنصر کلیدی در ساخت تمدن اسلامی هستند. نقش آفرینان این عرصه، با هدایت افکار و نهاده‌سازی روح ایمان، به ویژه علمای دین، نقش بی‌بدیل در هدایت معنوی و فکری جامعه دارند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۸۴). این رویکرد، تربیت انسان را فراتر از کسب دانش تخصصی، بر ابعاد هویت، ایمان و تمدن متمرکز ساخته و انسان را به عنوان عنصر کلیدی و موتور حرکت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند.

۵. تربیت مدیران فرهنگی با نگاه راهبردی و بلندمدت

تربیت مدیران فرهنگی با نگاه راهبردی و بلندمدت، به معنای پرورش مدیرانی است که علاوه بر توانمندی‌های مدیریتی، از دریافت راهبردی و دوراندیشی و نیز آگاهی عمیق نسبت به اهداف و آرمان‌های تمدن نوین اسلامی برخوردار باشند. این فرآیند، زمینه‌ساز تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی منسجم و مؤثر در راستای تحقق اهداف تمدنی است. امام خامنه‌ای در این زمینه تأکید می‌کنند که بخش فرهنگ، آموزش و تربیت انسانی، بدنه اصلی و فوری انقلاب اسلامی است. تولید نیروی انسانی کارآمد برای اداره انقلاب، باید از مراحل ابتدای آموزش شروع شود و تا مراکز عالی تحقیق و آموزش ادامه یابد. این مسئولیت بر عهده متولیان نظام آموزشی و فرهنگی است که باید این فرآیند را تأمین، اداره و بهبود بخشند (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۱).

قرآن کریم نیز با تأکید بر اهمیت تدبیر و آمادگی، فرموده است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال: ۶۰)؛ یعنی هر آنچه در توان دارید از نیرو برای آن‌ها آماده سازید. این آیه شریفه بر ضرورت برنامه‌ریزی راهبردی و تجهیز منابع انسانی و مادی برای تحقق اهداف بلندمدت تأکید می‌کند.

۶. تأسیس نهادهای علمی و پژوهشی با رویکرد تمدن ساز

تأسیس نهادهای علمی و پژوهشی با رویکرد تمدن سازی، به معنای ایجاد و گسترش مراکز و مؤسسات علمی و پژوهشی است که باهدف تولید علم و فناوری در راستای تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی فعالیت می‌کنند. این نهادها، زمینه‌ساز تمرکز و سازماندهی تلاش‌های علمی و پژوهشی و نیز هدایت آن‌ها در مسیر تحقق اهداف تمدنی هستند. امام خامنه‌ای در این باره تأکید می‌کنند که تشکیل پژوهشگاه‌ها مسئله‌ای بسیار مهم است. در هر دانشگاه، علاوه بر پژوهشگاه‌های مستقل موجود، باید مراکز پژوهشی جدی و متخصصی تأسیس شود و خود دانشگاه‌ها نیز پژوهش را به عنوان یک مجموعه جدی در درون خود مورد توجه قرار دهند. ایشان بر آن هستند که نخبگان به سوی این پژوهشگاه‌ها جذب شوند و در آنجا به کار پژوهشی بپردازند، البته بدون قطع ارتباط خود با تعلیم و یادگیری. فراهم آوری امکانات و منابع لازم برای پژوهشگران، نه تنها استعدادهای آنان را به جریان می‌اندازد و به عمل می‌رساند، بلکه وسوسه‌های مهاجرت و ترک کشور را نیز

خنثی می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۴/ ۷/ ۱۳۸۹). ایشان بر اهمیت استفاده از تجربه و پختگی اساتید دانشگاهی بازنشسته در این پژوهشگاه‌ها تأکید می‌کنند. این رویکرد، حلقه‌ای پیوندی میان نسل جوان پژوهندگان و متخصصان مجربی که سال‌های طولانی در دانشگاه‌ها کارکرده‌اند، برقرار می‌سازد و از این طریق تراکم دانش و تجربه را تضمین می‌کند.

(ب) احیای میراث فرهنگی اسلامی - ایرانی

باز نشر و تحقیق در آثار علمی و فرهنگی اسلامی، احیا، تصحیح و شرح گنجینه‌های ارزشمند تمدن اسلامی است. این فرآیند، نسل‌های نو را با میراث غنی فکری اسلام پیوند داده و راه‌حل معضلات امروزی را در حکمت گذشتگان می‌یابد. امام خامنه‌ای بر ضرورت احیای میراث عظیم اسلاف و بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و علمی آنان تأکید دارند. ایشان بر این باورند که حافظان میراث فخیم علمای دین، باید در جهت تغییر دل‌ها، روشن‌سازی اندیشه‌ها، اصلاح مسیرها و تحول درونی جامعه به سوی ایمان حقیقی و اخلاق اسلامی بکوشند؛ این وظیفه‌ای اساسی است (خامنه‌ای، ۲۲/ ۱۲/ ۱۳۶۹). همچنین، ایشان بر آنند که اسلام ناب و میراث اصیل پیامبر ﷺ را باید مورد بهره‌مندی مؤمنان سازند (خامنه‌ای، ۲۳/ ۴/ ۱۳۷۰).

ایشان خاطرنشان می‌کنند که نکوداشت چهره‌های نامدار علمی تاریخ اسلامی، جامعه را به سوی قله‌های دانش رهنمون می‌سازد. در دشوارترین دوران تاریخی، دانشمندانی مثل ابن شهر آشوب از محضر اساتید بزرگی مانند طبرسی و زمخشری کسب فیض کرده‌اند. ابن شهر آشوب حتی کتاب مشهور زمخشری را نزد خود او فراگرفته و اجازه‌ی روایتش را دریافت داشته است. این بزرگوار، با وقف عمر پربرکت خویش به دانش‌اندوزی، به فقیه متکلم، محدث جامع، رجال دقیق، شاعری خوش‌قریحه و ادیب توانا تبدیل شد. این شخصیت جامع، برای همه به خصوص جوانان درسی عبرت‌آموز است که مایه فخر به گذشته پرافتخار و باعث ایجاد انگیزه‌ای برای یادگیری و پیشرفت می‌شود (خامنه‌ای، ۸/ ۷/ ۱۳۹۲).

این رویکرد به میراث، صرفاً بازگشت به گذشته نیست، بلکه تلاش برای دمیدن روح حیات در آن و تبدیل آن به موتور حرکت پیشرفت است. درک عمق تعالیم دینی و علمی بزرگان، نه تنها افتخار گذشته را زنده نگاه می‌دارد، بلکه چراغ راهی برای تحقق تمدنی نوین اسلامی خواهد بود.

۱. معرفی مفاخر علمی و فرهنگی اسلام

معرفی مفاخر علمی و فرهنگی تمدن اسلامی، به معنای شناساندن دانشمندان، متفکران و شخصیت‌های برجسته تمدن اسلامی و آثار درخشان آنان به نسل‌های جدید است که از یک جهت افتخار به میراث رفیع تمدن اسلامی است و از سوی موجب تقویت هویت فرهنگی و الگوگیری از این شخصیت‌ها را در مسیر پیشرفت و تعالی ممکن می‌سازد. امام خامنه‌ای تأکید می‌کنند که ایران فارابی‌ها، ابن‌سیناها، محمد بن زکریای رازی‌ها، شیخ طوسی‌ها و شخصیت‌های بزرگ علمی را به جهان عرضه کرده است؛ لذا نباید میراث

درخشان و گذشته پرافتخار علمی ایران تحقیر شود. ایشان معتقدند که اگر ملت ایران جایگاه شایسته خود را بازیابد، باید به سطحی برسد که دانش‌پژوهان جهان برای دسترسی به قله‌های علم، ناچار به یادگیری زبان فارسی شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۱۰).

ایشان تصریح می‌کنند که عالمان، پزشکان، منجمان و ریاضیدانان برجسته تاریخ اسلام که دستاوردها و نامشان هنوز در سپهر علمی جهان درخشان است، در شمار علمای الهی و متفکران دینی بوده‌اند. ابن‌سینا که شاهرکار طبی او تا به امروز اثری زنده علمی در دنیا محسوب می‌شود و در تاریخ بشریت جایگاه رفیع دارد، خود نیز عالم دین‌مدار بود. محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و سایر دانشمندان و نوآوران دنیای اسلام نیز بر همین طریقت گام نهاده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹). این حقیقت، نشان‌دهنده پیوند ناگسستنی دین و علم در تمدن اسلامی است؛ پیوندی که به شکوفایی فکری و تمدن بی‌نظیر منجر شد. میراث این بزرگان، گواهی است بر توانایی جامعه اسلامی در پیشبرد علم و معنویت به‌طور هم‌زمان.

۲. بهره‌گیری از میراث علمی و فرهنگی در حل مسائل معاصر

بهره‌گیری از میراث فرهنگی اسلامی-ایرانی، پیوند محکم میان نسل‌ها ایجاد می‌کند و هویت فرهنگی جامعه را عمق بیش‌تر می‌بخشد. این سازوکار، با بازآفرینی گنجینه‌های گران‌بهای فرهنگی، دانش و تجارب گذشتگان را در بوته حلّ چالش‌های معاصر قرار می‌دهد. امام خامنه‌ای تأکید می‌ورزند که در قرون سوم و چهارم هجری، در میان تمامی تمدن‌های آن عصر و حکومت‌های مقتدر با میراث‌های گوناگون، هیچ تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی نرسید. این دستاورد عظیم اسلام است، آن هم در حالی که امت اسلامی با موانع، اختلافات و درگیری‌های داخلی دست و پنجه نرم می‌کرد. باوجود این فراز و نشیب‌ها، پیام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طی سه چهار قرن، تمدنی را پدید آورد که میراث دار آن، تمدن معاصر ماست. این تجربه نشان می‌دهد که رستگاری انسان و حرکت به سوی کمال، جز بابرکت اسلام ممکن نخواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۹).

ایشان بر جایگاه والای این سرزمین در میان ملل تأکید دارند. پیشینه تاریخی، میراث فرهنگی، توانایی‌های مردمی و ظرفیت‌های طبیعی، همگی گواه بر این ادعاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۲۶). از منظر ایشان، میراث علمی مسلمانان در دانش بشری و الهی، بی‌مانند است؛ چنانکه کمتر تمدنی در آسیا و حتی غرب، چنین گنجینه غنی را به خود دیده است. از این‌رو، از منظر تمدنی، مسلمانان از برجسته‌ترین‌ها و برترین‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۴/۳۰). این دستاوردها نشان‌دهنده ظرفیت بالای تمدن اسلامی در خلق دانش و نوآوری است لذا ایشان بر لزوم بازکاوی و بهره‌گیری از این میراث علمی و فرهنگی برای مواجهه با پیچیدگی‌های جهان معاصر تأکید دارد.

ج) تقویت دیپلماسی فرهنگی

گسترش تعاملات فرهنگی با سایر ملل و تقویت دیپلماسی فرهنگی از دیگر سازوکارهای مقاومت فرهنگی است:

۱. تعامل سازنده با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

تعامل سازنده با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، برقراری ارتباط و گفتگوی فرهنگی با دیگر ملل بر مبنای احترام متقابل و باهدف تبادل تجارب و دستاوردهای فرهنگی، امری لازم است؛ زیرا چنین تعامل غنای فرهنگی را افزایش داده و صلح و دوستی میان ملت‌ها را گسترش می‌دهد. امام خامنه‌ای بر ضرورت تعامل گسترده با جهان تأکید می‌کنند. ایشان معتقدند که ما می‌توانیم ارتباطات وسیع و سازنده‌ای با دنیا برقرار کنیم، هم به دیگر ملل و دولت‌ها کمک‌رسانیم و هم از کمک آن‌ها بهره‌مند شویم. حیات اجتماعی بشریت بر پایه همکاری، همدلی و تعامل استوار است. اقلیم، جغرافیا و امکانات فراوان ما، این تعامل سازنده را برای ما تسهیل می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۵/۱۲). قرآن کریم نیز با اشاره به تنوع فرهنگی و قومی فرموده است: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (حجرات/۱۳). این آیه شریفه، تنوع فرهنگی را نه تنها برای تفرقه، بلکه برای شناخت متقابل و تعامل سازنده، بیان می‌کند.

۲. حضور فعال در عرصه‌های بین‌المللی فرهنگی

حضور فعال در عرصه‌های بین‌المللی فرهنگی، مشارکت مؤثر و هدفمند در رویدادها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی به عنوان دیپلماسی فرهنگی، لازم و ضروری است؛ زیرا چنین حضور، تأثیرگذاری بر جریان‌های فرهنگی جهانی را فراهم می‌سازد و منافع و ارزش‌های فرهنگی جامعه اسلامی را در سطح بین‌المللی دفاع و معرفی می‌کند. امام خامنه‌ای در این زمینه تأکید می‌کنند که دیپلماسی ایجاب می‌کند کارآمدی، تحرک بی‌وقفه، هدفمندی و حضور فعال در معاهدات و مجموعه‌های منطقه‌ای و جهانی را بروز دهیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۱۵).

دیپلماسی فرهنگی، ابزاری است برای معرفی و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در سطح جهانی. این سازوکار، ضمن تقویت جایگاه و نفوذ فرهنگی جامعه اسلامی در عرصه بین‌الملل، بستری فراهم می‌سازد برای تعامل سازنده با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و هم‌زمان، مقابله با جریان‌های فرهنگی مخرب و تهاجمی را ممکن می‌نماید. این حضور فعال، نه تنها دفاعی، بلکه ایجابی و سازنده است و به معرفی غنای تمدن اسلامی و ارزش‌های جاودانش در میادین جهانی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

مقاومت فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای، نه تنها واکنشی انفعالی و دفاعی در برابر تهاجم فرهنگی است، بلکه دارای ماهیت چندوجهی و راهبردی ایجابی و پیش‌پرده، به عنوان الگو و اهری جامع و چندساعتی برای مهندسی تمدن نوین اسلامی است که بر پایه‌های مستحکم هستی‌شناختی (توحید)، روش‌شناختی (اجتهاد و استقلال)، معرفت‌شناختی (بازشناسی و احیای منابع اصیل دینی) و ارزش‌شناختی (پاسداری از نظام ارزشی اسلام) استوار است.

مقاومت فرهنگی، از رهگذر «هویت مقاومتی»، «خودباوری فرهنگی»، «اجتهاد تمدنی» و «عقلانیت انتقادی»، سازوکار مهندسی تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌سازد. تولید علم بومی و اسلامی، احیای میراث غنی فرهنگی و علمی و تقویت دیپلماسی فرهنگی از طریق تعامل سازنده با سایر تمدن‌ها و حضور فعال در عرصه‌های بین‌المللی، از جمله سازوکارهای تحقق مقاومت فرهنگی به شمار می‌روند. این رویکرد، ضمن پالایش و بازسازی مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی بر اساس آموزه‌های اسلامی، بر ضرورت بهره‌گیری انتقادی از علوم انسانی غربی با فیلتر تفکر ایمانی و نیز تولید علوم انسانی بومی تأکید دارد. تربیت نیروی انسانی متخصص با رویکرد تمدنی، مدیران فرهنگی با نگاه راهبردی و تأسیس نهادهای علمی و پژوهشی تمدن ساز، ارکان عملیاتی مقاومت فرهنگی را برای تحقق تمدن نوین اسلامی تشکیل می‌دهند؛ از این رو، تحقق تمدن نوین اسلامی منوط به درک عمیق ماهیت چندبعدی مقاومت فرهنگی و اتخاذ رویکردی همه‌جانبه در به‌کارگیری آن است؛ بنابراین مقاومت فرهنگی به مثابه موتور حرکت و خلاق، هدایت‌گر فرآیند گذار از «مقاومت برای بقا» به «مقاومت برای بنا» و ساختن آینده‌ای درخشان برای انسانیت و امت اسلامی است.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی
۲. اسدی، حیدر؛ و رجبی، هادی (۱۳۹۶). نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست، شماره ۱۶: ۱۰۴ - ۸۷.
۳. بابایی، حبیب اله، (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۰ / ۸ / ۱۳۸۳.
۱. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰.
۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶ / ۵ / ۱۲
۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸ / ۹ / ۲۱.
۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب، ۱۳۶۸ / ۹ / ۲۹.
۱۰. بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳ / ۲ / ۱۰.
۱۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲ / ۵ / ۱۵.
۱۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲ / ۴ / ۳۰.
۱۳. بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰ / ۵ / ۲۶.
۱۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید میث، ۱۳۹۰ / ۴ / ۹.
۱۵. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره‌ی بین‌المللی ابن شهر آشوب سا روی مازندرانی، ۱۳۹۲ / ۷ / ۱.
۱۶. بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش، ۱۳۷۵ / ۱ / ۲۸.
۱۷. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸ / ۷ / ۲۸.
۱۸. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۹ / ۱۲ / ۲۲.
۱۹. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۰ / ۴ / ۲۳.
۲۰. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۸۴ / ۵ / ۱۲.
۲۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۰ / ۱۲ / ۱.
۲۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰ / ۷ / ۱۳.
۲۳. بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰ / ۱۰ / ۱۹.
۲۴. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۲ / ۱۰ / ۱۹.
۲۵. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲ / ۱۲ / ۱۵.
۲۶. بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۰ / ۳ / ۱۴.
۲۷. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ / ۱۰ / ۲۹.
۲۸. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸ / ۹ / ۲۲.
۲۹. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱ / ۷ / ۲۴.

۳۰. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱.
۳۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۷۴/۹/۱۳.
۳۲. بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱/۳/۱۴.
۳۳. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴.
۳۴. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۳۵. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
۳۶. بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۰۷/۲۸.
۳۷. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸/۳/۱۴.
۳۸. بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۲.
۳۹. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور، ۱۳۹۵/۱۲/۱۶.
۴۰. بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.
۴۱. بیانات در دیدار مردم استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.
۴۲. بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۸.
۴۳. بیانات در دیدار مردم شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۱.
۴۴. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵/۲/۲۶.
۴۵. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
۴۶. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۴۷. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۶/۲/۷.
۴۸. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹.
۴۹. بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۹۱/۴/۳۱.
۵۰. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۳/۲/۳۱.
۵۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۹.
۵۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱/۵/۲۲.
۵۳. بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹.
۵۴. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱.
۵۵. بیانات در دیدار جمعی از مهمانان خارجی، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴.
۵۶. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۱/۷/۱۳.
۵۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۹/۱۵.
۵۸. بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت، ۱۳۸۰/۲/۱۲.
۵۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸.



۶۰. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/ ۶/ ۱۳۹۲.
۶۱. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۲۰/ ۸/ ۱۳۹۴.
۶۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۴/ ۷/ ۱۳۸۹.
۶۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳/ ۱۰/ ۱۳۸۴.
۶۴. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/ ۷/ ۱۳۹۱.
۶۵. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۷/ ۲/ ۱۳۹۶.
۶۶. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۹/ ۱۱/ ۱۳۹۰.
۶۷. بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۸/ ۸/ ۱۳۸۵.
۶۸. بیانات در دیدار مردم شیراز، ۱۱/ ۲/ ۱۳۸۷.
۶۹. بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۲۶/ ۶/ ۱۳۹۰.
۷۰. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۸/ ۱۰/ ۱۳۹۴.
۷۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۶۵.
۷۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۰/ ۳/ ۱۳۶۹.
۷۳. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۰/ ۳/ ۱۳۶۹.
۷۴. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶، ۱/ ۱/ ۱۳۷۶.
۷۵. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۷/ ۹/ ۱۳۸۷.
۷۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۱۳۷۳) لغت‌نامه دهخدا، تهران، روزنه.
۷۷. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۷۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق) ترتیب کتاب العین، چاپ ۲، قم: دانشگاه مفید.
۷۹. جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
۸۰. خسروی، محمد؛ و حسینی خواه سید جواد (۱۴۰۱)، نظریه جهاد ذبی در اندیشه آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی و نسبت آن با فقه مقاومت. مطالعات فقه سیاست، شماره ۴، ۸۷-۱۰۴.
۸۱. مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
۸۲. نگهبان، سلمان؛ و ابوالحسنی، رحیم (۱۳۹۹) مقاومت در قرآن. اندیشه تقریب، شماره ۳۹، ۹۰-۵۹.